

# وظیفه اجتماعی و حرفه‌ای اقتصاددانان ایران در دوران کنونی\*



بهروز هادی‌زنوز

**۱- طرح مسئله**

کشور ما امروزه در سه حوزه اقتصاد، حکمرانی و جامعه دچار چالش‌های سهمگینی است. این چالش‌ها به دلیل چند دهه غفلت و سوءمدیریت شکل گرفته و ابعاد آن به‌تدریج بزرگ‌تر شده است:

- در حوزه اقتصاد یک نظام اقتصادی شبه‌دولتی، رانتی و ذرون‌گرا حاکم است که تحت نفوذ انحصارات دولتی، نهادهای بانفوذ و شرکت‌های بزرگ قرار دارد. انحراف این ساختار معیوب اقتصادی از نظام بازار بر همگان روشن است.

- در حوزه حکمرانی، شاهد تعارض منافع ارکان حاکمیت، رعایت‌نکردن تکلیک قوا و استقلال آنها از یکدیگر، نبود حاکمیت قانون و ناکارآمدی و فساد در بوروکراسی کشور هستیم.

- در حوزه اجتماعی، نهادهای مدنی تضعیف شده و تشکل‌های حزبی، صنفی و حرفه‌ای به حاشیه رانده شده‌اند. در این وضعیت پاسخ‌گوکردن حاکمیت در قبال مردم، شفافیت مالی و عزل و نصب مسئولان از سوی رأی‌دهندگان به امری ممتنع تبدیل شده است.

درهم‌تنیدگی مسائل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در هم‌زمانی آنها گویای آن است‌که تحلیل جداگانه این مسائل راه به جایی نخواهد برد. ازاین‌رو جامع‌نگری و تعامل سازنده متخصصان علوم اقتصادی، سیاسی و جامعه‌شناسی برای چاره‌جویی مسائل حاد کنونی امری ضروری است. استمرار این نابسامانی درخورد توجه نهادهی و ساختاری در بیش از چهار دهه اخیر خسارات عظیمی برای نسل کنونی داشته است و بر کیفیت زندگی نسل‌های آتی نیز تأثیرات منفی عمیقی خواهد گذاشت. برون‌داد این وضعیت به صور مختلف ظاهر شده است: تخریب منابع طبیعی و محیط زیست، عقب‌ماندگی تکنولوژیک کشور، رشد اندک و پرنوسان تولید ناخالص داخلی، بی‌ثباتی اقتصاد کلان، نابرابری حاد اقتصادی - اجتماعی و گسترش دامنه و عمیق فقر در کشور و عقب‌ماندگی غم‌انگیز و فاجعه‌بار استان‌های مرزی ایران را می‌توان از پیامدهای نامیوم این وضعیت دانست. متأسفانه در صورت استمرار بحران‌های موجود و تشدید آن، این‌خطر وجود دارد که بر ناامیدی مردم از حاکمیت افزوده شود و مقبولیت نظام در نزد مردم بیش‌ازپیش کاهش یابد. در چنین فضایی وضعیت کشور آسیب‌پذیرتر می‌شود و به احتمال زیاد بحران‌های اجتماعی و سیاسی بزرگ‌تری در کمین کشور خواهد بود.

**۲- دشواری اصلاحات نهادی وساختاری**

در این وضعیت خطیر، وظیفه ارکان حاکمیت و تشکل‌های مدنی (ازجمله اتاق بازرگانی و انجمن

اقتصاددانان ایران)، کوشش در راستای اصلاح امور کشور و اجتناب از افتادن از چاله به چاه است؛ اما می‌دانیم که اصلاح امور کشور به‌هیچ‌وجه ساده نیست و هیچ نهادی نسخه شفابخش و آسانی در آستین ندارد که هم به مذاق حاکمان خوش بیاید و هم پسند و خورند اکثریت مردم ایران باشد. اصلاحات اقتصادی به‌ویژه اصلاحات ساختاری دارای آثار بازتوزیعی گسترده است و بهره‌مندان از رانت‌های موجود به‌سادگی از منافع خود صرف‌نظر نخواهند کرد. به همین دلیل رسیدن به اجماع درباره آن کاری است دشوار و ظریف. متأسفانه پوپولیسم سیاسی که از سوی محافل قدرت ترویج می‌شود، ناکارآمدی و فساد بوروکراسی، نبود دستگاه داوری مستقل، شفاف عمیق میان دولت و مردم و بدبینی جامعه به نیت، برنامه‌ها و سیاست‌های دولت، راه‌گفت‌وگو میان نهادهای مردمی ودولت را بسته است. بدیهی است‌که در این وضعیت مهار انتظارات برآورده‌نشدنی طبقات و گروه‌های اجتماعی به سهولت امکان‌پذیر نیست. در این وضعیت دشوار عده‌ای سیاست‌مدار فرصت‌طلب و کارشناسان محفلی خودخوانده در کسوت مردان عمل، نسخه‌های معجول و غیرعلمی برای اقتصاد کشور می‌پیچند که حاصلی جز اتلاف منابع و فوت وقت و وخیم‌ترشدن حال این بیمار ندارد.

**۳- مسئولیت اجتماعی اقتصاددانان ایران**

به عقیده من در زمان حاضر، هدف و مأموریت اقتصاددانان در عرصه اجتماعی ایران را می‌توان اجحلا تحت عنوان «توانمندسازی حاکمیت و جامعه»\*\* در راستای گذار کشور از یک اقتصاد عقب‌مانده رانتی و دولتی به اقتصاد صنعتی پیشرفته مبتنی بر بازار تعریف کرد. برای این منظور بهبود فضای کسب‌وکار در داخل و تعامل سازنده با اقتصاد جهانی امری ضروری است. توانمندسازی جامعه به معنای افزایش توانایی مردم در حاکمیت بر سرنوشت خویش یا توانایی آنها در حفظ منافع و جلوگیری از تضعیح حقوق فردی‌اشان است. به میزانی که نیروهای اجتماعی در قالب اتحادیه‌ها، انجمن‌های صنفی، اصناف و سایر تشکل‌های اجتماعی متشکل شوند، هم به سمت نهاد‌های مردم‌سالار حرکت خواهند کرد و هم می‌توانند در وضعیت موجود از حقوق و منافع خود دفاع کنند. منظور از توانمندسازی حکومت مجموعه اقدامات و نهادهایی است که قدرت قهریه را تحت حاکمیت قانون در انحصار دولت قرار می‌دهند؛ نه افراد خودسر که ظرفیت مالیات‌ستانی دولت را افزایش می‌دهند، تخصیص منابع در بخش عمومی را از بن تغییر می‌دهند و ارکان دولت را توانا می‌کنند که کالاهای عمومی مانند امنیت، زیرساخت‌ها، بهداشت و آموزش را تامین کنند. با توجه به کارکردهای درخورد توجه دولت و تصرف ارکان دولت به واسطه منافع خصوصی، توانمندسازی دولت در گرو اصلاح روابط میان قوا، تأکید بر حاکمیت قانون در کشور و مبارزه با فساد سیستماتیک موجود خواهد بود. این امر نیز موکول به شکل‌گیری ائتلاف قوی از تحول‌خواهان در درون حاکمیت و استمرار خواست‌های نهضت دموکراتیک جامعه مدنی

است. توصیه می‌کنم اقتصاددانان کشور، اهداف یادشده را در تعامل با دولت، مردم و بخش خصوصی، در مرکز توجه خود قرار دهند. در واقع استقرار دموکراسی در جامعه موکول به تحقق شرایط معینی است؛ صنعتی شدن و استقرار نظام تولید بازار در کشور پیش‌شرط بهبود رفاه مادی آحاد جامعه و استقرار دموکراسی است. ضمنا جامعه‌ای که افراد آن منفعل‌اند و قادر به تشکل نیستند، نمی‌تواند بر سرنوشت خویش حاکم باشد. دموکراسی به جامعه‌ای نیاز دارد که:

- گروه‌های اجتماعی مطالبات و حقوق خود را به حکومت به صورت متشکل و مستمر انتقال دهند.

- به صورت دسته‌جمعی با یکدیگر و حکومت مذاکره و چانه‌زنی کنند.

**۴- ضرورت اعتدال واقع‌بینی**

اقتصاددانان و علمای اجتماعی دیگر در این وضعیت حساس باید نقش خود را با رعایت حریم و احتیاط و درپیش‌گرفتن اعتدال ایفا کنند. به این معنی که:

- از دامن‌زدن به انتظارات تحقّق‌ناپذیر تشکل‌های صنفی و حرفه‌ای هرپز کنند.

- در ارزیابی علل پیدایش مسائل و مشکلات حاد کنونی از راه انصاف و تحلیل متواضعانه علمی خارج نشوند و مسئولان بوروکراسی و قوه مقننه را به جای اصلاحات به سمت خشم و امنیتی‌کردن فضای عمومی هدایت نکنند.

- تلاش کنند فصل مشترکی از سیاست‌ها و برنامه‌های اصلاحی به وسیله نحله‌های مختلف فکری در اقتصاد را پیدا کنند و با صدای واحد در راستای تحقق سیاست‌ها و برنامه‌های پیشنهادی پیشنه‌ادی بکوشند.

- با پوپولیسم اقتصادی، سیاسی و فرهنگی از طریق روشنگری و آگاه‌کردن مردم و محافل قدرت مبارزه کنند.

- ضرورت تنش‌زدایی در مناسبات بین‌المللی و پیامدهای مثبت اقتصادی، فرهنگی و تکنولوژیک تعامل

سازنده با جهان را به‌طور خستگی‌ناپذیر به زبانی ساده و همه‌فهم با مسئولان و مردم در میان بگذارند.

- نقد سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی دولت و آگاهی‌بخشی به سیاست‌گذاران بخش عمومی را در برنامه کاری خود قرار دهند.

- آگاهی‌بخشی به نهاده‌های صنفی بخش خصوصی در زمینه امور اقتصادی ازجمله اتاق‌های بازرگانی کشور و استان‌ها را وجهه همت خود قرار دهند.

- آگاهی‌بخشی به عامه مردم و کنشگران اجتماعی در زمینه امور اقتصادی را فراموش نکنند.

**پی‌نوشت‌ها:**

\* متن سخنرانی دکتر بهروز هادی‌زنوز در مراسم نکوداشت مقال‌علمی ایشان که در شب‌های مجله بخارا در پنجم تیرماه برگزار شده است.

\*\* در این‌مورد نگاه کنید به جلد دوم کتاب در جست‌وجوی سعادت عمومی تحت عنوان فرعی درآمدی بر توانمندسازی حکومت و جامعه که به همت دکتر احمد میدری و همکاران تهیه شده و در سال ۱۴۰۰ در انتشارات روزنه به چاپ رسیده است.

### یادداشت

### اقتصاددان مستقل دغدغه‌دار توسعه ایران



حجت میرزایی



محمود اولاد

دکتر بهروز هادی‌زنوز چشم‌نگران ایران و دغدغه‌دار توسعه و سربلندی این سرزمین است. او یکی از استادان و اقتصاددانان ایرانی نسل دوم است که میراث‌دار اندیشه و دانش استادان بزرگی مانند دکتر پیرنیا و جهان‌بگلو بودند؛ ترکیبی از اندیشه عمیق نظری و فلسفی با ابزارها و روش‌های نوین پژوهش علم اقتصاد. اما ویژگی زنوز این بود که پژوهش در عرصه اقتصاد و تدریس دانشکاهی را به مدیریت در نظام اجرایی ترجیح داد و به جای تبدیل‌شدن به یکی از اقتصاددانان فیلسوف‌شاهی راه و رسم اقتصاددانان مستقل را برگزید و یک پژوهشگر چندبعدی، عمیق و یک اندیشمند کم‌نظیر و تأثیرگذار شد. شاید در این توفیق به تعبیر طنزآلود استاد پیرنیا با وجود اندیشه جوان و بالندگی سنی، بخت جوان یارش نبوده و شاید همان هوشمندی و دوراندیشی مثال‌زدنی او در دوران مبارزه دهه ۴۰ و ترجیح اندیشه‌ورزی به جای مبارزه چریکی این بار هم همای سعادت و ناجی او بوده است. دکتر زنوز از چند نظر یک اقتصاددان متفاوت و مثال‌زدنی است. از آن دست اقتصاددانانی که بعید می‌دانم تکرار و تکثیر شوند. با زبان الکن یک داشجوی اقتصاد که از موهبت دانش‌آموزی در دانشگاه و همکاری علمی و پژوهشی و بهره‌مندی از مشاوره و کمک ایشان برخوردار بوده‌ایم. برخی از وجوه مهم اندیشه و شخصیت علمی ایشان را برمی‌شماریم.

**۱- اندیشمندی سه‌وجهی**

نظام سیاست‌گذاری اقتصادی به سه سطح اندیشمندان استراتژیست، کارشناسان سیاست‌ساز و متخصص و فن‌ورزان یا اقتصاددانان مسلط به تکنیک‌ها و فنون اقتصادی نیاز دارد. عجب آنکه دکتر زنوز در هر سه سطح بسیار

خوب درخشیده است؛ چه وقتی آسیب‌شناسانه و با برخورداری از نگاه راهبردی بلندمدت بر مبنای شناخت و تحلیل عمیق تاریخی، اجتماعی و جغرافیای اقتصاد، خروج از تله تاریخی توسعه‌نیافتگی و تکنیکی امروز اقتصاد ایران و مسیر رشد بلندمدت اقتصاد را پیشنهاد می‌دهد، چه وقتی به‌عنوان یک کارشناس صاحب‌نظر سیاست صنعتی با اقتصاد شهری و منطقه‌ای و منطق‌سازها و نتایج بلکه بیشتر از آن از نظر روش و مسیر یک کارشناس فنی برجسته در مطالعات جامع آب یا مکان‌یابی فولاد آلبازی یزد یا امکان‌سنجی ایجاد منطقه آزاد چابهار مسئولیت مطالعه بر عهده می‌گیرد.

**۲- دامنه موضوعات وزمنه‌های پژوهشی**

زمینه‌های پژوهشی ایشان بسیار پربارمنه و متنوع است و بر مبنای آثار پژوهشی انتشاریافته موضوعات اقتصاد کلان، اقتصاد شهری و منطقه‌ای، سیاست صنعتی، بازار کار، توزیع درآمد، نظام رفاه اجتماعی و صندوق‌های بازنشستگی و اقتصاد بین‌الملل را در بر می‌گیرد. این تنوع در زمینه پژوهش‌ها که به گمانم از استاد پیرنیا بزرگ به ارث برده باشند، هیچ از عمق و اعتبار علمی کار ایشان نکاسته و در همه موارد چه آنچه در قالب کتاب انتشار یافته و چه دهه‌ها پژوهشی که انتشار عمومی نیافته‌اند، نه‌فقط از نظر دستاوردها و دستاورد علمی بلکه بیشتر از آن از نظر روش و مسیر پژوهشی طی‌شده و باز بیش از آن منش فروتانه و استقلال علمی خدشه‌ناپذیر، یک راهنمای بی‌بدیل برای دانش‌پژوهان جوان اقتصاد است.

**۳- یک روشنفکر پردغدغه و یک اقتصاددان کلان‌مهندس و یک اندیشمند توسعه**

با تقسیم‌بندی اندیشه‌ورزان به «روشنفکر-تکنوکرات»، بی‌درنگ باید زنوز را یک روشنفکر دغدغه‌مند، آینده‌گرا و با تمرکز بر مسائل مهم اقتصادی دانست و با تقسیم‌بندی گریگوری منکیو به «اقتصاددانان دانشمند (نظریه‌پرداز)» یا «اقتصاددانان کلان‌مهندس»، باید زنوز را یک مهندس تمام‌عیار اقتصاد کلان با تمرکز و پیگیری و دقت برای حل مسائل اقتصادی روز جامعه نامید. منکیو بحران بزرگ ۱۹۳۰ را به‌مثابه یک عامل تعیین‌کننده و انگیزشی مهم در زندگی و زمانه و اندیشه اقتصاددانانی مانند لارنس کلاین، مودیکلیانی، سامولسنس و جیمز توین توصیف می‌کند. تحولات پرشتاب ایران از ابتدای دهه ۱۳۴۰ تاکنون همین نقش و تأثیر انگیزشی را در مطالعات و ذهن و زبان زنوز داشته است. به تعبیر کینز «خدانود اقتصاددانان کلان را نه برای آزمون‌کردن نظریه‌های زیبا، بلکه برای حل مشکلات عملی و واقعی در جهان فروفرستاده است؛ مشکلاتی که خدانود برای ما قرار داده است، کوچک نیستند» و زنوز در همه عمر علمی خویش اهمتمای جز حل مشکلات این سرزمین نداشته است. در اقتصاد کلان بی‌تردید زنوز یک کینزین تمام‌عیار است؛ ولی در مطالعات توسعه و رشد اقتصادی بلندمدت او به صراحت و روشنی از چارچوب اقتصاد متعارف فراتر می‌رود و تمرکزش بر اصلاحات نهادی و ساختاری است.

**۴- تأثیر ماندگار در پژوهش‌ها و مطالعات اقتصاد شهری**

دکتر زنوز از دهه ۱۳۴۰ تا امروز یعنی نزدیک به شش دهه راهبر یا عضو اصلی مطالعات بین‌رشته‌ای متعددی در حوزه آمایش سرزمین، توسعه منطقه‌ای، طرح‌های جامع و تفصیلی موضوعی و موضعی، سیاست‌گذاری و اشتغال استان‌ها یا مطالعات راهبردی صنعت بوده است. تواضع و فروتنی علمی، سخاو‌ت‌کم‌نظیر و بذل دانش و تجربه و دقت و بی‌طرفی مثال‌زدنی مهم‌ترین ویژگی‌های حرفه‌ای ایشان است؛ اما مطالعات او در حوزه مالیه شهری و به‌ویژه بازاریابی مناسبات مالی دولت و شهرداری‌ها که در قالب کتابی دوجلدی انتشار یافته، بدیع، نوآورانه و بسیار ارزشمند است. همچنین تحلیل او از مسائل کلیدی و چالش‌های اقتصاد ایران در مرکز پژوهش‌های مجلس که هنوز هم تاریخی دارد، ماندگار و تاریخی خواهد بود.

**۵- تعامل آندیشده و همراه با مرزبندی روشن با دولت و جریان‌های فکری اقتصاد در ایران**

همه ما دکتر زنوز را به استقلال اندیشه، عزت و بی‌نیازی و صراحت می‌شناسیم. سابقه مطالعات و همکاری‌های مؤثر در سیاست‌گذاری و فعالیت‌های مشترک او در سازمان‌های دولتی، مراکز پژوهشی بخش عمومی به‌ویژه مرکز پژوهش‌های مجلس و وزارتخانه‌های اقتصادی و شهرداری تهران حاکی از تعامل علمی مؤثر اما با حفظ روشن‌مرزهای فکری و اصول خود چه با دولتمردان و چه اقتصاددانان است. او با طیف بزرگی از سیاست‌مداران نیم‌قرن اخیر و نیز بسیاری از اقتصاددانان ایرانی موسوم به بازارگرا، نهادگرا و اقتصاددانان چپ همکاری و رفاقت نزدیک داشته و دارد؛ اما هیچ‌گاه از اصول فکری و مرزهای شخصیتی خود عبور نکرده است. این ویژگی مهم شخصیتی در کنار رویکرد تحلیلی و تجویزی پیش‌گفته شده که او هیچ‌گاه مطلوب سیاست‌مداران نباشد. به تعبیر همکار فرزانه‌ام دکتر علی عرب‌مازاز یزدی «این ساخت سیاسی برآمده از اقتصاد رانتی، نظامی انگیزشی را به وجود می‌آورد و تقویت می‌کند که به دانش برهم‌زننده چارچوب نهادی موجود که به‌طور تاریخی شکل گرفته، پاداش نمی‌دهد و به دانشی پاداش می‌دهد که مقوم چارچوب نهادی موجود است. این به نوبه خود به تبدیل تدریجی دانش پاداش‌گیرنده به ایدئولوژی‌ای برای توجیه آن چارچوب نهادی منجر می‌شود. ایدئولوژی‌های مسلط، علاوه بر این به خاطر برخورداری از باذهی صعودی نیز تقویت شده و ماندگارتر می‌شوند». عمرشان دراز و اندیشه‌شان پویا باد.



در شرکت کرمان‌موتور تأکید کرد برنامه‌ریزی برای صادرات این خودرو از اولویت‌های کرمان‌موتور است و پس از عراق، صادرات خودرو به سه مقصد دیگر در منطقه در ماه‌های آینده عملیاتی خواهد شد. به گفته فیروز، کرمان‌موتور قصد دارد با بهره‌گیری

### دستاورد ممتاز در شرایط تحریم

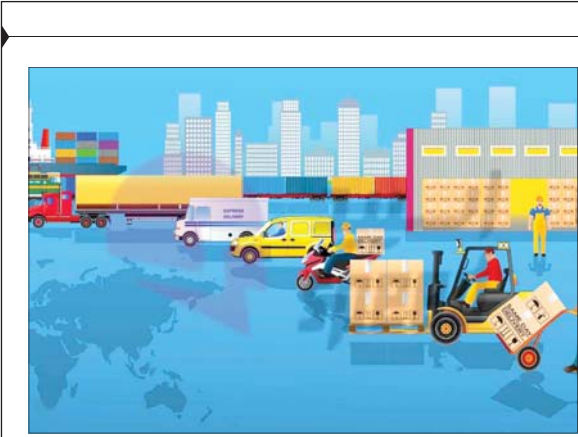
## صادرات خودرو J4» کرمان‌موتور به عراق

کرمان‌موتور به‌عنوان نخستین شرکت خصوصی خودروسازی ایران، صادرات محصولات تولیدی خود را با صدور خودرو J4 به کشور عراق آغاز کرد و اولین محموله صادراتی این خودرو در هفته گذشته به مقصد بغداد ارسال شد. سامان فیروزی، مدیرعامل شرکت کرمان‌موتور، با اعلام این خبر گفت: کشور عراق مقصد اول کرمان‌موتور برای صادرات و کشورهای روسیه، کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و شمال آفریقا مقصدهای بعدی خواهند بود. خودروی J4 نخستین خودرویی است که از محصولات شرکت کرمان‌موتور به عراق صادر می‌شود. صادرات خودرو J4 از طرف شرکت کرمان‌موتور را باید یک دستاورد درخورد توجه برای بخش خصوصی صنعت خودروسازی ایران تلقی کرد؛ زیرا با

از توانمندی‌های داخلی، برنامه‌های صادراتی خود را گسترش داده و با ارائه محصولات باکیفیت در بازارهای جهانی حضور یابد و از این طریق، به توسعه صنعت خودرو در کشورمان کمک کنیم. مدیرعامل کرمان‌موتور، سرمایه‌گذاری درخورد توجه برای ارتقای کیفیت خودروهای تولیدی و تطبیق با استانداردهای بین‌المللی را در راستای تحقق اهداف عالی‌ه این مجموعه در افاق J۴۵ و رشد شرکت عنوان کرد و افزود: پلنفرم خودرو J4 متعلق به شرکت کرمان‌موتور است و هم‌اکنون با ۷۰ درصد داخلی‌سازی و با همکاری با ۱۲۰ قطعه‌ساز طراز اول داخلی به تولید می‌رسد.

**برندملی کرمان‌موتور معرفی می‌شود**

او در ادامه رویکرد شرکت کرمان‌موتور را خلق برند ملی خودرو در بازارهای بین‌المللی، کسب سهم بازار بیشتر برای خودروی ایرانی در بازار جهانی، ارزآوری به کشور و افزایش نرخ رشد ایجاد اشتغال ذکر و اظهار کرد: تلاش برای نزدیک‌شدن به استانداردهای جهانی و ارائه محصولات باکیفیت و قابل رقابت با دیگر کشورها، امری حیاتی است که می‌تواند به توسعه صادرات خودرو کمک کند.



مقررات و تنظیم‌گری سرمایه‌گذاری کرد.

آنچه مسلم است، این است که پیشران صنعت لجستیک در آینده فناوری است؛ اما آنچه کیفیت آینده را مشخص می‌کند، رقابت و سطح همکاری میان بازیگران فعلی و تازه‌واردها است. بازیگران استارت‌آپی با اهرم فناوری و سلاح فناوری عرصه بازی را به هم می‌ریزند و اینکه کدام‌یک موفق شوند، به قدرت فناوریانه هر یک از آنها بستگی دارد.

در نهایت می‌توان اد‌ع‌ان کرد که لجستیک به‌طور ذاتی حوزه‌ای فرابخشی محسوب می‌شود و دربرگیرنده طیف وسیعی از زیرساخت‌ها و خدمات پشتیبان برای تولید و تجارت کالااست؛ به همین خاطر است که بر اساس گزارش بانک جهانی، تقریبا کشوری را نمی‌توان یافت که در آن وزارت لجستیک وجود داشته باشد؛ در‌عین حال هر نوع سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای لجستیک در سطح کلان، نیازمند برسیمت‌شناختن آن به‌عنوان یک بخش خدماتی مستقل است.

### تیکتک

## اقیانوس آبی حوزه جابه‌جایی و لجستیک برای استارت آپ‌ها و سرمایه‌گذاری جسورانه در کشور

و ارقام و پتانسیل بالای حوزه جابه‌جایی و لجستیک، به نظر می‌رسد فضای مناسبی از جنس اقیانوس آبی برای فعالیت استارت‌آپ‌ها در این دو حوزه در کشور وجود دارد. البته باید در نظر داشت‌که در حوزه لجستیک شاهد تحولات عجیب و سریع هستیم و این مهم می‌تواند به‌سرعت فضای اقیانوس آبی این حوزه را به دریای سرخی که رقابتی بی‌شماری در آن حضور دارند، تبدیل کند.

آن چیزی که تحت عنوان تخریب خلاق از آن یاد می‌شود و پدیده‌ای جهانی و همه‌شمول است، منجر به پوست‌اندازی در حوزه لجستیک و بازیگران آن می‌شود. تخریب خلاق در حوزه لجستیک ابعاد مختلفی دارد که برخی از ابعاد آن فناوریانه است و شامل مواردی مانند اتوماسیون و رباتیک، پرینت سه‌بعدی، واقعیت مجازی، اینترنت اشیا، کلان‌داده‌ها و… می‌شود که همگی صحنه بازی بخش لجستیک را متحول می‌کنند. توسعه هاب‌ها و مراکز تخصصی لجستیک، حمل‌ونقل ترکیبی و توسعه صنعت لجستیک در حوزه B2C نیز از جمله روندهای مهم نوآورانه‌ای هستند که این صنعت را متحول کرده‌اند. تحول دیجیتال منجر به پدیدآمدن شرکت‌های بزرگ لجستیک در صحنه جهانی شده که مستقیما با مشتریان خود در تعامل و ارتباط هستند. درحال‌حاضر در صنعت لجستیک دنیا، «علی‌باب» بزرگ‌ترین شرکتی است که به پیشرفت صنعت لجستیک کمک زیادی کرد و در داخل کشور نیز مجموعه‌های دیجی‌کالا و اسنپ همین نقش را ایفا می‌کنند.

فناوری‌های جدید در حوزه لجستیک با موانع و عدم قطعیت‌هایی روبه‌رو هستند که بر عملکردشان تأثیر می‌گذارد؛ نوع فناوری و رگولاتوری مهم‌ترین این موانع است و برای سروسامان‌دادن به محدودیت‌ها باید بر تأمین زیرساخت و وضع قوانین و

<sup>[1]</sup> در نهایت می‌توان اد‌ع‌ان کرد که لجستیک به‌طور ذاتی حوزه‌ای فرابخشی محسوب می‌شود و دربرگیرنده طیف وسیعی از زیرساخت‌ها و خدمات پشتیبان برای تولید و تجارت کالااست؛ به همین خاطر است که بر اساس گزارش بانک جهانی، تقریبا کشوری را نمی‌توان یافت که در آن وزارت لجستیک وجود داشته باشد؛ در‌عین حال هر نوع سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای لجستیک در سطح کلان، نیازمند برسیمت‌شناختن آن به‌عنوان یک بخش خدماتی مستقل است